

بررسی تاثیر روش تدریس همیاری بر سطح کیفی یادگیری مفاهیم علوم تجربی دانش آموزان و کاهش کج فهمی آنها

فاطمه کمالی، راحله کریمی راد

۱- کارشناسی ریاضی

fatemeh.zarkani@gmail.com

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی

چکیده

با توجه به پیشرفت های علوم امروزی، آموختن علوم تجربی همچون سایر علوم، امری مهم به شمار می رود که با زندگی روزمره مرتبط است و با پیشرفت تکنولوژی اهمیت آن بیشتر شده است. آموزش علوم بیشتر به آموزش راه یادگیری می پردازد که آگاهی از آن لازم است، چرا که در دنیایی زندگی می کنیم که سریعاً در حال تغییر و پیشرفت است و باید قادر بود خود را دائم با آن تغییرات هماهنگ سازیم. بنابراین آنچه مهم است یادگیری شیوه کسب اطلاعات و به روز کردن اطلاعات و همچنین چگونگی آموختن و اجرای روش های تدریس موفق است. بنابراین معلمان و مربیان باید به روش های گوناگون تدریس مجهز باشند تا بتوانند تدریسی مطلوب در جهت مقابله با کج فهمی های دانش آموزان ارائه نمایند. این تحقیق با مطالعه ی مقالاتی که در زمینه ی کج فهمی دانش آموزان انجام شده است، سعی بر این دارد که بتواند عواملی را که موجب ایجاد کج فهمی دانش آموزان شده را کشف کند و با مطالعه و بررسی راهکارهایی که بتوان در رفع این مشکل به معلمان و سیستم آموزشی کمک نماید. طی این تحقیق، جامعه آماری در نظر گرفته شده، شامل کلیه دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان بندرعباس در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ در نظر گرفته شده است. جهت انتخاب حجم نمونه، از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای استفاده شده است. از میان تمامی مدارس دخترانه، به عنوان نمونه آماری دو مدرسه به شرایط مشابه، به طور تصادفی انتخاب شد. و از بین تمامی دانش آموزان دختر پایه ششم آن دو مدرسه ۳۳ دانش آموز به عنوان گروه کنترل با آموزش مستقیم و ۳۴ دانش آموز دیگر به عنوان گروه آزمایش با روش تدریس همیاری انتخاب شدند. و از آزمون تحلیل کوواریانس در تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. که آیا این روش جهت افزایش سطح کیفی یادگیری مفاهیم علوم تجربی در سطح شناختی و مهارتی و در همین راستا در جهت مقابله با کج فهمی می تواند تاثیر مثبت داشته باشد یا خیر.

کلید واژه: کج فهمی، دانش آموزان، علوم تجربی، یادگیری، روش تدریس همیاری، دوران ابتدایی

مقدمه

بدون شک یکی از دغدغه های بشر در طول تاریخ، یادگیری بوده است. تمام پیشرفت ها و دستاوردهای بشری نیز محصول یادگیری است. یادگیری فرآیندی مداوم در طول زندگی انسان محسوب می شود. از جریان پیچیده سخن گفتن در آغاز زندگی که به ظاهر با سهولت انجام می گیرد، تا یادگیری نظریه های پیچیده علمی و حل مسائل دشوار، همه براساس فرآیند یادگیری صورت می پذیرد. اسکینر معتقد است که یک نظام تربیتی مؤثر و واقعی را نمی توان به وجود آورد مگر آن که دو فرآیند یا عمل یادگیری و یاددهی کاملاً شناخته و فهمیده شوند. (مغیری نیا و همکاران، ۱۳۹۲)